

ستاره

باد آسمان را دیشب تکان داد

سه تا ستاره در کتم افتاد

بوزند آنها بسیار زیبا

یک دانه اش را دادم به بابا

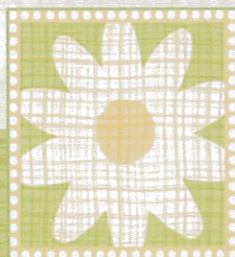
آن دیگری را دادم به مادر

دیدم که مانده یک دانه دیگر

آن را به بالا پرتاب کردم

این کار را در خواب کردم

ناصر کشاورز



«ای خانه‌ی ما»

خوب و غریبی ایران زیبا
پاینده باشی ای خانه‌ی ما
من دوست هستم با شهرت
با کوه و دشت با نهرت
خورشید اسلام یک بار دیگر
تابیده از تو الله اکبر
بر کوی و کوچه بردشتت
رومیده لاله جانم فدایت

مصطفی رحماندوست

شاپرک آمد کنار پنجره، روی شیشه مثل برگی دیده شد
 دست بردم تا بکسم او پرتو برگی انگار از درختی چیده شد
 شاپرک باز آمد و آنجا نشست بال رنگارنگ خود را باز کرد
 آفتاب هر شبان چون مادر، بال های نازکش را ناز کرد
 پشت شیشه آفتاب هر شبان می درخسید از میان آسمان
 دیده می شد بال های شاپرک روی شیشه مثل یک انگبین گان

جعفر ابراهیمی (شاهد)

